

حرف



کاری کرده‌اند اما مشکل جوانان را باید با خود آنها حل کرد. در کارهای خود بسیار کم کاری کرده‌اند اما مشکل جوانان را باید با خود آنها حل کرد. بعضی‌ها می‌گویند این که از راه جوانان وارد شویم خیلی دشوار است ولی باز حقیر می‌گویم اتفاقاً بسیار راحت‌تر است چرا که شما در ابتدای هر سال می‌بینید به یکباره رنگ شهرها و لباس‌ها عوض می‌شود، یکسال آبی، یکسال قرمز، یکسال خردلی. پس کسانی هستند که با استفاده از ویژگی‌های جوانان به راحتی آنها را در اختیار گرفته‌اند و بی شک ما نیز می‌توانیم از آنها استفاده کنیم و مسائل تربیتی را در ذهنشان نهادینه کنیم به شرط آن که زبان جوانان را خوب بفهمیم.

مشکل اصلی جوانان ما تنها مسکن و اشتغال و ازدواج نیست مشکل جوانان ما این است که بزرگترها درک درستی از موقعیت آنان ندارند با رسیدن به این درک درست خیلی از مشکلات حل می‌شود.

و البته ما جوانان نیز در این بین بسیار تأثیرگذاریم باید دنبال غذایی باشیم که هم لذیذ باشد و هم مفید. گاهی وقتها فقط به فکر لذیذ بودنیم که این شاید درست نباشد.

آنچه این روزها بیش از زمان‌های دیگر ذهن جوانان ایران اسلامی را به خود مشغول می‌کند مناسبت‌های نامأنوسی است که بر روابط آدم‌ها حاکم شده است برای نمونه خیلی از ماها آدم‌هایی را می‌شناسیم که رفتارهای پدر و مادرشان را نمی‌پسندند و با آنها اختلاف دارند. یا اگر به آمار و ارقام روزنامه‌ها توجه کنیم در می‌یابیم معضلی به نام کودکان فراری اصلاً تا چند سال پیش اتفاق نمی‌افتاد اما امروز تقریباً تمام صفحات حوادث روزنامه‌ها کم و بیش از اخبار مربوط به دختران و پسران فراری لبریز است.

راستی چه باید کرد درصدی از حل این مشکل به عهده دولتمردان و مقامات بالاست. تا سیاست‌های کلان را برای انجام این القانات مسدود نمایند درصدی هم برمی‌گردد به خانواده‌ها و نوع رفتار آنها با جوانان. اما اصل آنجایی است که معمولاً در گفته‌های همه فراموش شده است. اصل در بهبود این معضلات خواسته خود جوان است. چطور وقتی جوان دختر و پسر ما می‌خواهند می‌توانند در تب فوتبال بسوزند اما نمی‌توانند در معرض مسایل اخلاقی خانواده قرار گیرند.

نویسنده این واژه‌ها معتقد است اگر چه اولیا و مسؤولان در کارهای خود بسیار کم